

توتالیتر

کتاب توتالیتریزم (۱) که توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی در پاییز ۱۳۵۸ طبع گردید، در عین سادگی و اختصار ملاک‌های مفیدی برای شناخت رژیم‌های توتالیتر می‌دهد. در پیش‌گفتار کتاب می‌خوانیم: این که آدمی نماند چه کاری جرم است و چه کاری جرم نیست، و نماند که به چه وسیله می‌تواند با خیال کم و بیش راحت در گوشه‌های زندگی‌اش کند، مهمترین خصلت زندگی یک فرد در رژیم توتالیتر است و هنگامی که قیومیت مسلکی رژیم برعهده پلیس گذاشته می‌شود، طبیعی می‌نماید که پلیس علاوه بر ایفای نقش آدمکش و شکارچی، نقش روانشناس و نظریه پرداز را نیز به عهده گیرد. یک مرکز مقاومت در برابر اصول اخلاقی رژیم توتالیتر دستگاهی است که برای خود اصول اخلاقی خاص (مذهب) دارد، در نمونه آرمانی نظام توتالیتر، هیچ کس بر سر جای خویش محکم نیست، خواه قاضی باشد، خواه وزیر و خواه فرمانده ارتش. هر کس به اعتبار لطف اراده مطلق بر سر جای خویش نشسته است و هر لحظه که این لطف دریغ شود، نه تنها مقام که جانش نیز در خطر خواهد بود.

فصل اول کتاب، ویژگی‌های اساسی رژیم توتالیتر را شرح می‌دهد؛ چنین می‌نماید که بهترین راه برای بررسی مقوله حکومت توتالیتر مطالعه تطبیقی رژیم‌هایی است که از سوی پژوهندگان و صاحب نظران، توتالیتر دانسته شده‌اند...

چنان که از تاریخچه اصطلاح برمی‌آید سه رژیم در این مقوله جا می‌گیرند: ایتالیایی موسولینی، اتحاد شوروی استالینی و آلمان هیتلری. از میان تقسیم‌بندی‌های مختلفی که برای ویژگی‌های توتالیتریزم ارائه شده است تقسیم‌بندی لئونارد شاپیرو، انتخاب شده و ساختار کتاب براساس این تقسیم‌بندی شکل گرفته است. در این تقسیم‌بندی نخست صفات ویژه رژیم‌های یک‌ه‌تاز آمده و سپس از کسانی که رژیم بر آنها استوار می‌باشد شرح داده شده است.

زعامت توتالیتر

در یک رژیم توتالیتر زعامت چهره‌ای کاملاً متفاوت با سایر نظام‌های سیاسی دارد. در اینجا پیشوا تنها رئیس حزبی نیست که به قدرت رسیده است، هر چند که به دست آوردن قدرت از طریق حزب، گام نخست در راه رسیدن به هدف است. برای پیشوای توتالیتر، هدف یک‌ه‌تاز شدن خود اوست و نه حتی یک‌ه‌تاز شدن جنبشی که او را به قدرت رسانیده است. برای این کار لازم است که هیچ نهاد دیگری که بتواند با او مقابله کند، در جامعه وجود نداشته باشد.

سرکوبی نظام قانونی

از دیگر ویژگی‌های نظام توتالیتر سرکوبی نظام قانونی قلمداد شده است.

هنگامی که از انقیاد یا سرکوبی نظام قانونی سخن گفته می‌شود، منظور حالتی است که در آن یک عنصر پیش‌بینی نشدنی و یک حالت بی‌ثباتی و بلا تکلیفی وجود دارد. برای یک حکومت استبدادی در عصر کنونی، گذراندن قوانینی که با هدفها یا سلیقه‌هایش بخواند و لغو قوانینی که آنها را مزاحم می‌پندارد، کار دشواری نیست. در واقع هیتلر و استالین از چنان قدرتی برخوردار بودند، که به یک اشاره آنها نه تنها هر قانونی تهیه و تصویب می‌شد، بلکه در صورت لزوم، حقوقدانان در مدح این قوانین و مطابقت آن با علایق نژادی یا منافع پرولتاریا، کتابها می‌نوشتند. در شوروی هنگامی که استالین اراده کرد خانواده تروتسکی، را نیز از میان بردارد، رسماً قانونی گزارنده شد، که مطابق آن اعدام کودکان ۱۲ سال نیز مجاز اعلام گردید این کار بدون هیچ گونه پرده‌پوشی در برابر جهانیان انجام گرفت. ...

اصول اخلاقی در رژیم توتالیتر

از دیگر ویژگی‌های برشمرده شده رژیم‌های توتالیتر آن است که می‌کوشد اصول اخلاقی خاص خود را جانشین اصولی سازد که در دستگاه‌های اخلاقی دیگر، چه مذهبی و چه غیرمذهبی، مطرح است. دستگاه اخلاقی نظام تمامیت خواه را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: آنچه به هدف ما خدمت می‌کند، اخلاقی و آنچه در راه آن مانع ایجاد می‌کند، غیر اخلاقی است! نلین در ۱۹۲۰ خطاب به کمونیست‌های جوان گفت: اخلاق ما یکسره تابع منافع مبارزه طبقاتی پرولتاریاست... ما به اخلاقیات جاودانی عقیده نداریم. همیملر می‌گفت: افراد "S.S" همواره یک اصل اساسی را باید مورد توجه قرار دهند و آن این است که درستکاری، شرافت و وفاداری و رفاقت را ما تنها به مردم همخون خود مدیونیم و نه به کس دیگر.

پلیس سیاسی در زندگی خصوصی و امور اجتماعی

یک لطیفه سیاسی قدیمی می‌گوید: در انگلستان همه کاری آزاد است، مگر آن که صریحاً خلاف قانون باشد. در آلمان هر کاری قدغن است، مگر آن که صریحاً موافق قانون باشد و در روسیه هر کاری قدغن است حتی اگر مطابق قانون صریحاً آزاد باشد.

خصلت برجسته رژیم توتالیتر از میان رفتن نظام قانونی و حاکم شدن پلیس سیاسی بر اداره امور جامعه است. دستگاه پلیس، که در حالت عادی به تعبیر رژیم‌های مشروطه "ضابط"





دادگستری یا قوه قضایی است، به تدریج از پیله خود بیرون می‌آید و در دستگاههای دولتی بسط می‌یابد و تمامی نهادها تدریجاً تحت تسلط پلیس سیاسی درمی‌آیند. از اختیارات دستگاه اداری برای صدور جواز گرفته تا بازرسی و کنترل تجارت، حرفه‌ها و آموزش رسانه‌های همگانی و منافع خارج از کشور و همگی زیر نفوذ پلیس سیاسی قرار می‌گیرد.

تفاوت رژیم توتالیتر با استبداد کهن

کتاب در ادامه مطلب از همانندیهای رژیم توتالیتر با دیگر رژیمهای استبدادی در گذشته سخن می‌گوید، اما در عین حال به خصوصیتی اشاره می‌کند که بسیاری از ناظران آن را ویژگی رژیم توتالیتر می‌دانند و آن، نیاز رژیم به نشان دادن پشتیبانی توده‌ها از خویش است. نسوع رویکرد رژیم توتالیتر استبداد پس از دموکراسی است که با رژیمهای استبدادی کهن متفاوت است. در گذشته رژیمهای استبدادی به این امر قانع بودند که مردم علیه آنها طغیان نکنند و رژیم نیز سکوت آنان را علامت رضا تلقی می‌کرد. اما در نظام توتالیتر، سکوت علامت رضا نیست و فرد باید هواداری خود را به شیوه‌ای مثبت بیان کند. توتالیتر با تمام بی‌اعتقادی به دموکراسی، اصرار دارد که پشتیبانی مردم را از خویش به نمایش بگذارد.

این کار در جهت گسترش جامعه توده‌وار (Mass Society) که در آن سازمانها و نهادهای واسط مدنی وجود ندارد، می‌باشد. در فرایند توتالیترسیم ترور اشخاص با موضوع جامعه توده‌وار ارتباطی نزدیک دارد. چرا که ترور از نظر گاه عملی وسیله‌ای برای همگون‌تر کردن جامعه است. آنها با حذف فیزیکی گروهها و قشرهای ناسازگار با خود زمینه یکدست کردن جامعه را فراهم می‌کنند.

وجوه تمایز ایدئولوژی توتالیتر با سایر ایدئولوژی‌ها!

یکی از پایه‌هایی که توتالیترسیم بر آن پایه استوار است، مسلک رسمی می‌باشد. مسلک گرایی که صیغه ایدئولوژیک به خود می‌گیرد، در رژیم توتالیتر چیزی شبیه به آمیختگی مذهب و دولت است، که در تاریخ شرق و غرب سوابقی برای آن می‌توان یافت. مسلک ایدئولوژیک در رژیم توتالیتر دو نقش اساسی دارد. نخست، ایجاد مشروعیت است که از این حیث کاربرد یکسانی با دیگر ایدئولوژیها دارد. ولی از آنجا که رژیم توتالیتر در روند یک جنبش اجتماعی روی کار می‌آید، بیش از دیگر رژیمها که دارای حاکمیت سنتی هستند یا بر انتخابات عمومی آزاد متکی می‌باشند، به توجیه ایدئولوژیک نیازمند است. پیشوی برای مشروعیت‌بخشیدن دادن اختیارات بلامنازع

سیاسی را برای بدست آوردن قدرت سازمان می‌دهند، حزب توتالیتر انحصار قدرت سیاسی و حذف قطعی رقبا را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

هنگامی که رقبا حذف می‌شوند و آنها حاکم بلامنازع می‌گردند، حزب حالت نهادی خود را از دست داده و به صورت یکی از چند سرچشمه اراده مطلق پیشوا درمی‌آید.

دستگاه اجرایی و حدود اختیارات

یکی از روشهایی که پیشوای تمامیت خواه برای محکم ساختن سلطه نهایی خویش بر مجموعه ارگانهای رژیم در پیش می‌گیرد، مبهم نمودن حدود اختیارات و مسؤولیتهای سازمانهای گوناگون می‌باشد. در مقایسه دستگاه دولت و دستگاه حزب، می‌توان گفت که دستگاه دولت دارای اقتدار صوری بوده و قدرت واقعی در اختیار حزب قرار می‌گیرد. هر چند که پیشوا در نهایت، حزب را نیز در روند حاکمیت خود به چالش می‌کشد.

خویش، ناگزیر باید از ایدئولوژی کمک بخواهد، زیرا هیچ منبع دیگری برای مشروعیت حکومت او وجود ندارد.

دومین نقش ایدئولوژی در رژیم توتالیتر رواج بی‌حسی اخلاقی در میان توده مردم است زیرا وقتی که به تجاوزهای آشکاری علیه حقوق مردم دست می‌زنند و حتی چارچوب پذیرفته شده قانونی خویش را نیز زیر پا می‌گذارد، تا به عنوان یک مانع از بروز خشم مردم جلوگیری کند. یا آن را به‌سوی دیگری منحرف نماید. در اینجاست که ایدئولوژی توتالیتر آن جنون جمعی لازم را که همراه با بی‌حسی اخلاقی نسبت به قربانیان است را پدید می‌آورد. نکته قابل توجه تفاوت اصلی میان نقش ایدئولوژی در رژیم توتالیتر و رژیم دموکراسی می‌باشد. در رژیم توتالیتر، ایدئولوژی در انحصار حکومت است که به تعبیری می‌توان آن را انحصار ایدئولوژی نامید... ولی در عین حال نقاط ابهام فراوانی در این دستگاه فکری وجود دارد. چرا که یک ایدئولوژی روشن با برنامه‌ریزی دقیق، آزادی عمل رژیم توتالیتر را سلب می‌کند. اگر نقش رژیم توتالیتر صرفاً عملی کردن برنامه روشن از پیش تعیین شده باشد، طبیعتاً اصالت با ایدئولوژی و برنامه خواهد بود و دست و پای آنها بسته خواهد شد. از این رو خصلت ایدئولوژی توتالیتر، داشتن نقاط تاریک و مبهم است، که آن را نیازمند تفسیر و تعبیر می‌کند.

نقش حزب از منظر توتالیترسیم

نقش حزب در رژیم توتالیتر با کارکرد آن در رژیم دموکراسی به ظاهر همانند است، و از آن به مثابه ابزاری جهت شرکت دادن مردم در امور سیاسی و بسیج آنها سود برده می‌شود. اما در واقع امر، برخلاف احزاب دموکراتیک که رقابت



پی نوشت
۱- کتاب توتالیترسیم در مقدمه خود بخشی را پیرامون اصطلاح توتالیتر مطرح کرده است که در آن به این نکته اشاره شده، که اصطلاح (Totalitar) به معنای کارگزار همه‌گرا همه‌گیر یا یک‌ه‌تاز است و چون از میان پربراهایی که در زبان فارسی برای این واژه بکار بردند، معادل مناسبی را نیافتیم، به‌ناچار همان اصطلاح اروپایی را بکار بردیم... اما بطور کلی توتالیترسیم به معنای حکومتی است که می‌خواهد فراگیر باشد و به عبارت دیگر همه جنبه‌های زندگی اجتماعی را زیر کنترل خویش درآورد.

